

روی صحنه آبی

نگاهی به «اسکرین‌شات» نوشته و کار நடا قربانیان

دست‌وپازدن

در چنبره زبان نمادین پدر

سپیده شمس

● بازنمایی جنسیت و فرهنگ پدرسالاری، یکی از دغدغه‌های امروز تئاتر ایران به نظر می‌آید؛ آن چنان که در بسیاری از اجراها در ماه‌های اخیر، به شکلی موضوع جنسیت و چالش‌هایش در جامعه ایران بر صحنه آورده شده و در این روزها با خودسوزی و مرگ دلخراش «سحر» که با لباس مردانه برای دیدن مسابقه فوتبال به استادیوم رفته بود، بحث بازنمایی جنسیت بیش از پیش به موضوع مهمی تبدیل شده است. «اسکرین‌شات» نمایشی است به نویسندگی و کارگردانی ندا قربانیان که نگاهی به فرهنگ پدرسالار در جامعه ایران دارد. اجرا در آغاز به سفر دو خانواده به مشهد و قصد شراکت آنها برای ساختن هتللی و درگیری آنها با زنی که ملکش را نمی‌فروشد، می‌پردازد و در نگاهی کاملا پدرسالارانه، شخصیت‌هایش را معرفی می‌کند. زنان در این معرفی پیرو همان ساختار قدیمی تقسیم‌بندی تیپیکال زنان در نگاه پدرسالاری، به دودسته تقسیم می‌شوند. «مرضیه» تپیی است آشنا از زنان. او می‌خواهد با مکر و شیطنت و به واسطه ظاهرش، به پولی از ششوهری صیغه‌ای برسد برای دخترهای نوجوانش و سازان و نرگس، دو خواهری که هر دو بازچه پسر شریک‌شان شده‌اند و او هر دو را در تعلیق نگه داشته و می‌خواهد با راه‌کردن خواهر بزرگتر، با خواهر جوان‌تر ازدواج کند تا شراکت‌شان بهتر شود؛ اما این نگاه پدرسار در پرداخت تیپیکال زنان و مردان، چندان دوامی نمی‌آورد و متن و اجرا از نیمه نمایش یکسره رویه تازه‌ای را در پیش می‌گیرد. زنان در گفت‌وگوها و پیچچه‌هایی، تصمیم به برهم‌ریختن شراکت این دو خانواده و نقش‌آر‌آب‌کردن تمام تصمیم‌های پدرسالارانه آنها می‌گیرند.



«اسکرین‌شات» از نیمه اجرا سعی در واکاوی شخصیت زنان قصه دارد و با نگاهی آسیب‌شناسانه، به وضعیت زنان مطلقه و زنزای آنها؛ به زنان سرپرست خانواده که هیچ منبع درآمدی ندارند و ناچار مجبور به ازدواج مجدد یا صیغه می‌شوند و به زنانی که در نوجوانی از سوی پدر مجبور به ازدواج با مردی شده‌اند که دوست نداشته‌اند و حالا که جدا شده‌اند همچنان ناچارند در سیطره پدرسالاری باشند، می‌پردازد.
باین‌حال، «اسکرین‌شات» با وجود سبوه‌های زنانه‌اش، همچنان در چنبره پدرسالاری باقی می‌ماند؛ چراکه زنان این نمایش کاملا با ساختار پدرسالارانه و در دفاعی اخلاقی در مذمت دروغ وارد عمل می‌شوند و از سویی، جنبه‌های نمادین، منطقی و نظام دلالت در زبان آن چنان میل به شفافیت دارد که بدون هیچ تخیلی، مدام می‌خواهد همه جوانب تاریک و ناخودآگاهانه را نور بیندازد و مثل یک مقاله، قصه را با ساختاری دقیق و شفاف بیان کند.

زبان نشانه‌ای، یکی از آن سبوه‌هایی است که می‌توانست مجالی برای زبان زبانه باشد که اثرگذار و سرشار از تخیل است؛ اما زبان زنان (به گفته کریستوا) چندان جایی در اسکرین‌شات ندارد. بنا بر نظر کریستوا، دو وجه دلالت برای زبان وجود دارد که وجه نشانه‌ای و وجه نمادین است. وجه نمادین می‌کوشد معنا را تا آنجا که ممکن است بدون ابهام بیان کند و وجه نشانه‌ای شیوه‌ای برون‌زبانی است که اثرزنی ت و عواطف از طریق آن به زبان راه می‌گشایند. «اسکرین‌شات» بسیار مقید به وجه نمادین در زبان است که معنا را بدون کم‌وکاست برساند؛ اما از وجه نشانه‌ای زبان که وجهی برون‌زبانی است و اتفاقا سبویه زنانه پررنگ‌تری را به اجرا می‌داد، غافل مانده است. وجه زنانه در زبان، شامل هر آن چیزی است که با کنایه‌ها، شعر، زمزمه‌ها و انگیزه‌ها در ارتباط است و راه بر تخیل می‌گشاید؛ وجهی که در تئاتر می‌تواند سبویه‌های تازه‌ای را بگشاید.
باین‌حال، در اجرای اسکرین‌شات، زنان به شیوه‌ای تقلیدی از همان رویکرد مردان و با استفاده از دیالوگ‌های توضیح‌دهنده، تأکیدی و شفاف‌کننده همه چیز، مجالی برای زبان زنان نمی‌گذارند؛ گویی زنان به‌سختی درآمده همچنان در مسیر پدرسالاری معترض شری‌ایطاند و راهی حتی در حد مضحکه‌کردن یا اغ‌جره‌کردن برای لرزاندن پایه‌های پدرسالاری به تخیل نمی‌رسد. اسکرین‌شات هیچ روزنه‌ای برای سکوت، آوا، صدا، پیچچه و زمزمه‌ای غیرنمادین نمی‌گذارد و دیالوگ‌ها آن چنان ریگاری و توضیح‌دهنده بر سر مخاطب فرود می‌آیند و قصه را بازگو می‌کنند که مجال اندیشیدن و تخیل را به تماشاکر نمی‌دهند. به‌جز دیالوگ‌ها، منولوگ‌ها نیز برای هر چه شفاف‌ترکردن هرکدام از شخصیت‌ها و در جهت نجات کاراکتر از وضعیت سیاه و سفید، همچنان در وجه نمادین زبان، تلاش برای ساختن موقعیتی باورپذیر از شخصیت‌هایی که بی‌گناه و زاده شرایط رست‌نوبشان هستند، دارد؛ تلاشی در چنبره ماندن در وضعیت پدرسالارانه و دریغ از یک نه به قانون پدر.

مریم منصوری: «شبه‌نامه‌ها سندهایی بارفته‌اند؛ بازمانده‌ای از کهن‌دوره فرهنگ کشاورزی و باروری ایرانیان. گستره‌ای فراموش‌شده‌اند در بازشناخت ادبیات عامیانه و پیشینه‌ای توانمند در پدیداری ریشه‌های آغازین ادبیات نمایشی ایران. اگر اینک و ازپس سال‌ها وسده‌ها اندکی به جست‌وجویش می‌کوشیم، برای دریافتن اندیشه‌هایی‌ست که پیش‌تر با ما – با نیاکان ما – بود و اینک بسیار دور افتاده است از ما. برای بازشناخت اکنون ماسست از ریشه‌گاهی که زستن و زستنن می‌توانست آموخت‌مان. برای افزاهایی‌ست که از دل این دیرینه‌شناسی فرهنگی و تبارشناسی نبای نمایشی می‌توان پیدان دست یافت؛ برای آگاهی‌ست». این جمله‌هایی است که رضا کوچک‌زاده در آغاز دفترچه راهنمای نمایشگاه نگاشته است. پنجمین نمایشگاه «به روایت نسخه‌خوانان» با تصویر نسخه‌های دست‌نوش‌ت از شبیه‌نامه‌های دوره قاجار و با پژوهش و مدیریت رضا کوچک‌زاده، ۱۵ شهریورماه در خانه هنرمندان ایران گشایش یافت. با کوچک‌زاده (کارگردان و پژوهشگر هنرهای نمایشی) که پیش‌تر در این زمینه پژوهش‌هایی داشته و کتاب‌هایی از دست‌آورد آنها منتشر کرده است، در مورد این نمایشگاه گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

ک در آغاز کمی درباره این نمایشگاه توضیح دهید؟

پنجمین نمایشگاه به روایت نسخه‌خوانان، نمایشگاه «تصویر نسخه‌های دست‌نوش‌ت از شبیه‌نامه‌های دوره قاجار» است که تصویرهایی گزیده از شبیه‌نامه‌ها یا تعزیه‌نامه‌های دوره قاجار را دربر می‌گیرد. این شبیه‌نامه‌ها از مجموعه‌هایی مهم مثل گنجینه خطی کتابخانه مجلس و گنجینه خطی کتابخانه ملک و اسنادی از مراکز پژوهشی دیگر فراهم آمده است. **ک تصویر نسخه‌ها به چه صورتی در نمایشگاه ارائه داده می‌شود؟**

به صورت پوسترهای ۵۰×۷۰. چون بسیاری از شبیه‌نامه‌ها در کاغذهایی کوچک نوشته شده‌اند که خوانش آنها آسان نیست و کاغذ بیشتر نسخه‌های اصلی نیز به دلیل پلاهایی که سال‌ها از سر گذرانده در حال فروپاشی است. از این رو بر آن شدیم تا تصویرهایی بزرگ‌تر از نسخه‌های اصلی را برای درک بهتر تماشاگران به نمایش بگذاریم. این نمایشگاه با ۷۰ پوستر برگزار می‌شود.

۷۰ پوستر، از میان چند نسخه شبیه‌خوانی انتخاب شده است؟
از میان ۶۰۰ مجلس کتابخانه مجلس و ۱۴۹ مجلس کتابخانه ملک گزینش شده‌اند.

ک در ارائه تصویر این نسخه‌های خطی چه چیزی اهمیت پیدا می‌کند؟
چون به این ترتیب، ما روایت را در پوسترها از دست می‌دهیم و در نهایت چند سطر از یک نسخه را در پوستر می‌خوانیم.

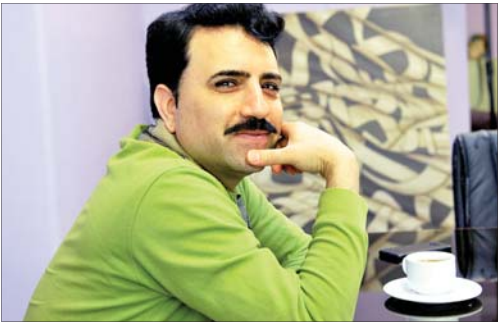
بخش پنهان تاریخ هنرهای نمایشی ایران و تاریخ ادبیات عامیانه و فرهنگ عمومی دوره قاجار را می‌توان در آنها ردیابی کرد. همین‌طور در این سندها می‌توان نشانه‌هایی برای دانش‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و موسیقی را یافت.
قرار نیست ما در هر نسخه، روایت آن نسخه را داشته باشیم؛ قرار است نکته‌هایی را که آن نسخه در آن صفحه در بر داشته و آن را از دیگر صفحات متمایز می‌کرده است را ببینیم. برای نمونه آقای بیضایی در بخش تعزیه کتاب «نمایش در ایران» می‌گوید که شبیه‌نامه‌نویسان معمولاً افراد عامی معتقد ولی بدون دانش فنی هستند. اما با نکته‌هایی که برای نخستین‌بار در این نسخه‌ها به دست آوردیم نشان می‌دهد که اتفاقا معین‌الیکا آدمی بسیار فرهیخته و آگاه و فنی در مفهوم و کارویژه‌های کارگردان امروزی است. نکاتی که او در حاشیه برخی نسخه‌ها نوشته و من بخشی از آنها را در نمایشگاه آورده‌ام. نشان می‌دهد که دانش آقای بیضایی در هیچ نسخه‌یوسان هیچ امضایی پای کارشان نمی‌گذاشتند و هیچ تاریخی بر متن‌ها نمی‌زدند. من نسخه‌هایی را انتخاب کرده‌ام که تاریخ و امضا دارند و روشن است که چه کسی و به چه دلیلی و در چه زمانی آن را نوشته است. این‌گونه است که نگره ما به هنر شبیه‌نویسی و شبیه‌خوانی درگرونی می‌شود. برای اینکه متوجه می‌شویم امروزه ما با حلقه کوچکی از مجالس شبیه رویه‌رو هستیم؛ در حالی که گسترش شبیه و خیال‌انگیزی شبیه‌نویسان در دوره ناصری بسیار بیش از امروز بوده است. تخیل شبیه‌نویس خیلی پیش‌تازتر و فنی‌تر از دوره کنونی بوده و همین باعث شده حتی روایت‌هایی وارد مجالس شبیه‌خوانی شوند که تا پیش از آن امکانش نبود و دیده نمی‌شد. مثل مجلس «شیه زن نصرانی» که شخصیت اصلی‌اش یک خانم تاجر مسیحی است که با کاروانش، اتفاقی در اینوا می‌گردند و باز به شکل اتفاقی و بر اثر خستگی راه می‌خواهند در منطقه کرپلا اندکی بیاسایند که زن، مسیح را در خواب می‌بیند که می‌گوید اینجا (کرپلا) جایی است که مراد دوباره بر صلیب کشیدند و ما در پی این روایت وارد مجلس عاشورا می‌شویم و بعد دوباره بازمی‌گردیم و روایت زن نصرانی را در ادامه می‌بینیم. همچنین در مجموعه کتابخانه مجلس، نسخه‌هایی غریب همانند «به‌چشم‌ششین یزید»، «ختر مصری»، «روز محشر»، «شهادت زن شمر»، «ترکمن»، «به‌جاه‌ناختن یوسف»، «صالح یهودی»، «عروسی ملکه آفاق»، «معجزه امام حسن در چین»، «وهب نصرانی» و بسیاری دیگر دیده می‌شوند که همین نام‌ها می‌تواند نشانگر گستره خیال‌انگیزی شبیه‌خوانی در دوره قاجار باشد.

ک چرا تصاویر نسخه‌های این نمایشگاه را از دوره قاجار انتخاب کردید؟
عصر قاجار، دوره پیدایش و رشد و گسترش اصلی شبیه‌خوانی است. ما نشانه‌هایی از شبیه‌خوانی در دوره‌های پیش از قاجار داریم. برای نمونه، در

هنر

گفت‌وگو با رضا کوچک‌زاده درباره نمایشگاه «تعزیه به روایت نسخه‌خوانان قاجار»

پیشتازی شبیه‌گردانان دوره قاجار نسبت به کارگردانان اروپایی هم‌دوره‌شان



دوره افشار می‌توانیم نشانه‌هایی از اجرا پیدا کنیم ولی نسخه نه‌ا کهن‌ترین نسخه‌های شبیه‌نویسی بازمانده به دوره فتحعلی‌شاه قاجار برمی‌گردد. از سوی دیگر، شبیه‌خوانی در دوره قاجار در کل کشور فراگیر می‌شود؛ به‌ویژه در دوره ناصری که هنر شبیه‌خوانی به‌عنوان حرفه پذیرفته می‌شود. امروزه کارگردانی تئاتر از سوی وزارت کار به‌عنوان حرفه پذیرفته نشده است ولی در دوره ناصری، حرفه شبیه‌گردانی از آن محمداقصر معین‌الیکا و دیگر همکارانش بود و حرفه شبیه‌خوانی برای میرزا غلامحسین کرمانی که به «پاس‌خوان» نامی بود یا ملاحسین کاشی که به «زینب‌خوان» زبازند بود و دیگر شبیه‌خوانان نام‌آور آن دوره بوده است. برای کارشان دستمزد مشخص می‌گرفتند و سازوکار یک حرفه برایشان فراهم شده بود. افزون‌براین، رشد تخیل در مجلس شبیه‌خوانی به‌ویژه در دوره ناصری چنان زیاد است که می‌توانیم سال‌ها دربار‌اش گفت‌وگو کنیم و در دانشکده‌های هنری ما که از رشد و پرورش تخیل سازنده دور مانده‌اند، تدریس شود. در مجالس شبیه‌خوانی امکان این امر که از این سرچشمه‌ها بهره گیریم و روزآمدش کنیم و برای زندگی کنونی مناسبتش کنیم، بسیار فراهم است.

از سوی دیگر، بخشی از تصویرهای نمایشگاه از نسخه‌های مهم‌ترین تماشاخانه‌ی تاریخ ایران «تکیه دولت» است که می‌دانیم اوج سازمان‌دهی و نوآوری اجرایی و درون‌مایه‌ای شبیه‌خوانی ایران به‌شمار می‌رود. همچنین نسخه‌هایی از میرزا محمداقصر معین‌الیکا – که حدود ۳۵ سال شبیه‌گردان مجلس و مخزن مطبوعات و مجلات و مخزن چاپی آن کتابخانه است که در بخش خطی آن حدود ۱۵۰ مجلس دارد و «فهرست توصیفی شبیه‌نامه‌های ملک» از گنجینه خطی کتابخانه ملک هم سال ۱۳۹۰ تدوین شد، ولی سال ۱۳۹۳ منتشر شد. این سه کتاب، نخستین فهرست‌های ایرانی و تخصصی شبیه‌نامه‌ها هستند که در مجموع حدود هزار و ۱۱۰ شبیه‌نامه را دربر می‌گیرند که بیش از فهرست واتیکان با شمار هزار و ۵۵ مجلس است. بنامه این کتاب‌ها اینک نایاب هستند. سال پیش فهرستی دست داد تا در این کتاب‌ها بازنگری کنم که اینک کمابیش آماده است و در جست‌وجوی یک ناشر خوب و کاردارنم که نسخه بازنگری‌شده و ویراسته جدید هر سه کتاب را با عنوان تازه «فهرست شبیه‌نامه‌های ایران» در سه جلد منتشر کند.

افزون بر این کتاب‌ها، کتابی هم با نام «رضای‌نامه» دارم که انتشارات سورهمهر در سال ۱۳۹۳ منتشر کرد. رضای‌نامه یک پژوهش موضوعی پنهان‌مانده تاریخ هنرهای نمایشی و دیگر رشته‌هاست (تاریخ، جغرافیه، تاریخ روی شبیه‌نامه‌های مربوط به زندگی و شهادت امام رضا(ع). برخلاف سه کتاب فهرست که به خاطر گستردگی موضوع، متن نسخه‌ها را نداریم، در «رضای‌نامه» نسخه‌های ویراسته و مقالاتی که روی آن نسخه‌ها خوانش می‌نماینتی انجام داده‌اند هم منتشر شده‌اند و این سنشش ویژگی‌های متفاوت در نسخه را بیان کرده است. آن کتاب هم مدتی است نایاب شده و بنا دارم چاپ تازه آن با ویرایش و افزوده‌هایی همراه باشد.

ک سطح ارزیابی بصری این نسخه‌ها چه ویژگی‌هایی داشتند؟ آیا از خط خاصی با کاغذ ویژه‌ای استفاده می‌کردند؟

نکته این است که کاغذها در آن زمان دست‌ساز بودند و به همین دلیل ما با تنوع کاغذ در آن دوره مواجهیم؛ هم به لحاظ جنس کاغذها و هم رنگ آنها. علاوه‌براین، به دلیل اینکه دیرها و نگارنده‌ها این مجالس را از روی دست شبیه‌نویس اصلی پاک‌نویس می‌کردند، تنوع خط داریم. حتی در مجالسی که به محمداقصر معین‌الیکا تعلق دارد هم گاهی با تنوع خط مواجهیم. برخی از این نسخه‌ها، به‌ویژه نسخه‌های کتابخانه ملک، در زیبایی و پرداختن ارزشمند و زیباست. از سوی دیگر، جنبه‌های حماسی نسخه‌های کتابخانه ملک نسبت به جنبه سوگوارانه دیگر نسخه‌ها برجسته‌تر است. من نمونه‌هایی از این نسخه‌ها را در نمایشگاه آورده‌ام که شعرش از استواری و وزن و واژه‌گزینی به شاهنامه فردوسی پهلو می‌زند. مهم‌ترین ویژگی نسخه‌های ملک این است که به نسبت نسخه‌های پیش‌ازین، غلط هستند و این دو کتاب مجموعه مسلک در اصل برای جنگ و نگهداری متن‌ها تنظیم شده‌اند و نسخه‌ای اجرایی شبیه‌خوانی نیستند.

ک منظور از جنگ چیست؟

در اینجا منظور کتابی است که مجموعه شبیه‌نامه‌ها در آن هست و آن کسی که این شبیه‌نامه‌ها را گردآوری، تنظیم و آنها را به لحاظ ادبی و نگارشی ویرایش کرده است. هر دو جنگ کتابخانه ملک تک‌نسخه هستند و هیچ نسخه دیگری ندارد. یکی از کتاب‌ها را ملا محمدتقی نوری که مقام روحانی بوده و دایی و پدرخانم شیخ فضل‌الله نوری به خطی خوش نگاشته است. مجموعه‌ی دوم را کسی گردآوری کرده که هم به شبیه‌خوانی علاقه داشته و هم آن را به‌درستی می‌شناخته است. برای نمونه ما در این کتاب، هشت مجلس «شهادت علی‌اکبر» و هشت مجلس «شهادت سیدالشهدا» داریم که مجلس‌های همنام در کنار هم تدوین شده‌اند ولی در روایت و شعر و حتی کوتاهی و بلندی مجلس همانند نیستند. به نظر می‌رسد گردآورنده با آگاهی کامل این مجلس‌ها را انتخاب کرده است که هیچ‌یک از

امشب اینجا

روایتی هولناک از یک اتفاق واقعی

مژگان خالقی: «امشب اینجا» برای من با شنیدن روایتی هولناک از یک اتفاق واقعی شروع شد. بلافاصله شروع به نوشتن کردم و نتیجه چنان تأثیری بر من گذاشت که نمایش‌نامه دیگری را که آماده تمرین بود، کنار و توجّه و تمرکز را بر آن گذاشتم. فرایند تمرین‌کن به‌هم‌پایه اجرا بود و دروس‌های بسیار دارم. روزهای پرچالش، جذاب و تکرارنشدنی برای من و به باورم، برای تک‌تک اعضای گروه بود. «امشب اینجا» روایت سرگردانی بی‌پایان انسان معاصر است؛ جریان شناور زمان‌های متقاطع، گاهی موازی و گاهی متفک از یکدیگر. آنچه برای من کارگردانی را متمایز از صرفاً یک تخصص مثل تخصص‌های این‌چنینی می‌کند، چالش طراحی یک ساختار اجراست. شاید بهتر باشد بگویم، عصیان در برابر پیوه‌خواهی و بیهوده‌طلبی. آنچه تماشاگر از ما می‌خواهد با آنچه ما از او می‌خواهیم، لزوماً برابر نیست. تجربه «امشب اینجا» از این جهت برای من تجربه متفاوتی است. مرز تئاتری که در آن ایستاده‌ایم، مرز لغزانی میان ادبیات و ایجاز است. ساختاری غیرواقعی و روایتی غیرخطی از آنچه به آن واقعیت می‌گویم.

آنها به لحاظ قصه‌گویی و شکل و پرداخت نمایشی شباهتی به هم ندارند و بی‌گمان هدفی والا برای تدوین نسخه‌های گوناگون شبیه‌نامه‌های همنام در کنار هم داشته است.

ک به‌طورکلی مهم‌ترین شاخصه نسخه‌های شبیه‌خوانی دوره قاجار در حوزه روایت و قصه چیست؟

این موضوع یک کتاب پژوهشی گسترده است و نمی‌شود در این فرصت محدود به آن پرداخت. امروزه اسنادی داریم که به ما اجازه می‌دهد که دوره‌های مختلف عصر قاجار را مرزبندی کنیم. حتی در این حد می‌توانیم ریز شویم که بگویم ویژگی نسخه‌های دوره آغازین حکومت ناصری چه بوده و دوره میانی و پایانی آن چه خصوصیت‌هایی داشته است. به این میزان منابع گسترده فراهم شده است؛ بنابراین نمی‌توان این‌قدر کلی به آن پرداخت. ما از پیش از دوره قاجار هیچ شبیه‌نامه‌ای نیافته‌ایم که بتوانیم به آن مقایسه کنیم. همین مسئله می‌رساند که ما با گستره کم‌نظیری از شبیه‌نامه‌ها در دوره قاجار مواجهیم که خود اینها هم می‌توانند با هم سنجیده شوند. از دوره فتحعلی‌شاه مجلس‌هایی داریم که می‌توانیم آنها را با دوره محمدشاه یا دوره آغاز ناصری مقایسه کنیم. من این یافته‌ها را از پس نمایشگاه «به روایت نسخه‌خوانان» نمی‌گویم؛ بلکه این را از پس پژوهش‌هایم که سال‌ها در حوزه شبیه‌خوانی داشته‌ام و سه کتاب فهرست توصیفی و تخصصی شبیه‌نامه‌ها می‌گویم که حدود یک دهه پیش کار کرده‌ام؛ دو کتاب برای شبیه‌نامه‌های کتابخانه مجلس و کتابی دیگر برای شبیه‌نامه‌های کتابخانه ملک که سال‌ها پیش تدوین و منتشر کرده‌ام. ممکن است شبیه‌نامه‌هایی در کتابخانه‌های دیگر هم باشند که ویژگی‌هایی متفاوت از این متن‌ها داشته باشند و بتوانند نکته‌هایی تازه را به آگاهی ما بیفزایند.

ک می‌هم درباره کتاب‌ها توضیح دهید؟

سال‌هاست نایاب شده‌اند، ولی می‌توانم معرفی کنم؛ «فهرست توصیفی شبیه‌نامه‌های دوره قاجار» که فهرست جزئی‌نگر ۴۴۵ مجلس شبیه‌نامه گنجینه خطی کتابخانه مجلس را در بر دارد که سال ۱۳۸۹ منتشر شد و از سال ۱۳۹۱ نایاب شد و تا امروز هم چاپ دوم نشده است. دیگری «فهرست توصیفی شبیه‌نامه‌های پراکنده» از گنجینه خطی کتابخانه مجلس و مخزن مطبوعات و مجلات و مخزن چاپی آن کتابخانه است که در بخش خطی آن حدود ۱۵۰ مجلس دارد و «فهرست توصیفی شبیه‌نامه‌های ملک» از گنجینه خطی کتابخانه ملک هم سال ۱۳۹۰ تدوین شد، ولی سال ۱۳۹۳ منتشر شد. این سه کتاب، نخستین فهرست‌های ایرانی و تخصصی شبیه‌نامه‌ها هستند که در مجموع حدود هزار و ۱۱۰ شبیه‌نامه را دربر می‌گیرند که بیش از فهرست واتیکان با شمار هزار و ۵۵ مجلس است. تفاوت که نمایش‌هایی با اینک نایاب هستند. سال پیش فهرستی دست داد تا در این کتاب‌ها بازنگری کنم که اینک کمابیش آماده است و در جست‌وجوی یک ناشر خوب و کاردارنم که نسخه بازنگری‌شده و ویراسته جدید هر سه کتاب را با عنوان تازه «فهرست شبیه‌نامه‌های ایران» در سه جلد منتشر کند.

افزون بر این کتاب‌ها، کتابی هم با نام «رضای‌نامه» دارم که انتشارات سورهمهر در سال ۱۳۹۳ منتشر کرد. رضای‌نامه یک پژوهش موضوعی پنهان‌مانده تاریخ هنرهای نمایشی و دیگر رشته‌هاست (تاریخ، جغرافیه، تاریخ روی شبیه‌نامه‌های مربوط به زندگی و شهادت امام رضا(ع). برخلاف سه کتاب فهرست که به خاطر گستردگی موضوع، متن نسخه‌ها را نداریم، در «رضای‌نامه» نسخه‌های ویراسته و مقالاتی که روی آن نسخه‌ها خوانش می‌نماینتی انجام داده‌اند هم منتشر شده‌اند و این سنشش ویژگی‌های متفاوت در نسخه را بیان کرده است. آن کتاب هم مدتی است نایاب شده و بنا دارم چاپ تازه آن با ویرایش و افزوده‌هایی همراه باشد.

ک سطح ارزیابی بصری این نسخه‌ها چه ویژگی‌هایی داشتند؟ آیا از خط خاصی با کاغذ ویژه‌ای استفاده می‌کردند؟

این نمایشگاه یک‌سویه نیست، منتظم دوستانی از رشته‌های دیگر به دیدن این نمایشگاه بیایند و آنها به ما بگویند چه چیزهایی در این سندها می‌بینند. نکته‌هایی که در نگره یک مردم‌شناس یا جامعه‌شناس و پژوهشگر ادبیات مردمی (عامیانه) به این نسخه‌ها هست، با نگاه من کاملاً متفاوت خواهد بود و اینها به ما کمک می‌کند که به کشف‌های تازه‌ای از بخش‌های پنهان‌مانده تاریخ هنرهای نمایشی و دیگر رشته‌ها دست یابیم. برای نمونه، ما برای نخستین‌بار در این نسخه‌ها با نشانه‌های دراماتوزی و کارگردانی در ایران مواجه شدیم و جالب است که کارگردانان و شبیه‌نویسان ما از هم‌تایان اروپایی خود در آن زمان جلوتر بودند و بیش از هر چیز به ضرب‌آهنگ اجرا و شگردهای اجرایی و فضای نمایشی اثر می‌اندیشیدند. شبیه‌نامه‌ها تنها سندهایی راستین بازمانده از دوره اوج شبیه‌خوانی ما هستند که اگر به‌دقت در آنها چشیم، می‌توانیم با توجه به نکته‌هایی تازه همنمون کنیم؛ از این رو از همه خانواده‌هایی که شبیه‌نامه‌هایی را در خانه نگهداری می‌کنند و از همه میراث‌داران شبیه‌خوانان و شبیه‌نویسان گذشته صمیمانه می‌خواهم این متن‌ها یا دست‌کم تصویری دیجیتال ولی باکیفیت بالا از آنها را به مهم‌ترین کتابخانه شهرشان بسپارند تا پژوهشگران آینده هم بتوانند با داده‌هایی که از این نسخه‌ها به دست می‌آورند، سرچشمه‌های هنری و فرهنگی و زندگی انسان‌های آن دوره را به‌درستی دریابند و در پژوهش‌ها به کار بندند. امیدوارم روزی دولت‌مردان ما ضرورت شکل‌گیری پژوهشگاه هنرهای نمایشی ستی را دریابند که به نظرم شاید مهم‌تر از پژوهشگاه صنایع دستی باشد؛ زیرا بر نمایش سنتی لایه‌های بسیاری برای آگاهی و اندیشه دارد که می‌تواند ما را به درکی تازه‌تر از فرهنگ ایران برساند.

این نمایشگاه از ۲۶ شهریور تا ۹۸ روزخانه‌های استاد ممیز و زمستان خانه هنرمندان ایران برگزار است. ساعت تماشا برای علاقه‌مندان و پژوهشگران از ۱۴ تا ۲۱ هر روز به جز پنج‌شنبه‌است.

دیوان نمایش

همتی وانتظار برای تالار نمایشی

گروه هنر: سیروس همتی از اجرای در تالار سایه انصراف داده است، چون متن چندنفره‌اش در این سالن کوچک مجموعه تئاتر قابلیت اجراشدن را ندارد و ابعاد این تالار برای میزانشن‌های نمایش موردنظرش چندان مناسب نیست. این نمایشنامه‌نویس و کارگردان که پیش‌ازاین قرار بوده در تالار سایه یک متن دوفنره را کار کند، به دلیل آنکه دعوت از دو بازیگری که بتوانند برایش این متن دوفنره را بازی کنند، دشوار شده است، از آن متن انصراف داده و این‌ روزها ناخواسته در زمان نوشتن، فضای شلوغ و چندنفره ناخواسته برایش اتفاق می‌افتد و حالا هم دوست دارد یکی از همین متن‌های چندنفره را که در همین سال‌ها نوشته کار کند اما تالار چارسو و قشقایب که می‌توانند برای این متن مناسب باشند، فعلاً در اختیار گروه‌هایی است که از قبل برای اجرای در آن در نظر گرفته شده‌اند. به هر روی این کارگردان از سوی مرکز هنرهای نمایشی همچنان تحت حمایت است که این کارش را در هر سالی اجرا کند اما خودش ترجیح می‌دهد منتظر بماند تا نوشتن در یکی از تالارهای تئاتر شهر فراهم شود.

زایوه دید

نقد نمایش «بنیامین اندمیم» با طراحی و کارگردانی «هیواامینی»

به خدا من هم تارکوفسکی را دوست دارم!



عرفان پهلوانی منتقد

● این روزها چند سالی است که بیشتر شب‌های سال نزدیک به ۱۳۰ نمایش در تماشاخانه‌های پایتخت به روی صحنه می‌روند. این آمار، گرچه از نگاه شمارگانی (کمی) می‌تواند ستایش‌هایی را برانگیزاند؛ اما از نگاه چپستی و چگونگی (کیفی) درخور نقد‌ها و نکوهش‌های فراوانی است و نیازمند یک یا چندین پژوهش آسیب‌شناسانه جدی و کارآمد است. یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که متوجه این جریان است، آن است که شوربختانه بیشتر این نمایش‌ها پیوند چندانی با انسان‌های امروزی ندارند و اجرای آنها در پاسخ به ضرورت‌ها و نیازهای این‌زمانی و این‌مکانی نیستند. خوشبختانه نمایش «بنیامین اند میم» از آن جمله کم‌شمار نمایش‌های این روزهاست که بازتاب‌دهنده دغدغه‌ها و چالش‌های گروه پرشماري از انسان‌های ایرانی امروزی و به‌ویژه پایتخت‌نشین است. نمایشی ساده، زیبا و روان که تماشاگر می‌تواند با تماشای آن، خود یا گروهی از انسان‌های پیرامونش و داستان زندگی خود یا آنها را در آن بازپایند.بنیامین اند میم نمایشی «صاحب تـز اجتماعي» است. اینـ دسته از نمایش‌ها مانند نمایش‌های فلسفی دارای ویژگی‌هایی مانند: ۱- وجود اندیشه در بنیان آفریده هنری، ۲- دارا بودن سـتیز میان دیدگاه‌ها و ۳- تشویق مخاطب به اندیشیدن (اما نمی‌گویند به چه بیندیش؛ بنیان اندیشه را به مخاطب نمی‌گویند)، ۴- سخن‌گفتن درباره مسئله‌های هستی‌شناسانه و کیهانی، ۵- پیشنهادندان راه‌حل به مخاطب و ۶- نداشتن رویکرد آموزشی، هستند. با این تفاوت که نمایش‌هایی صاحب تـز اجتماعي، مانند بنیامین اند میم، بیشتر به چالش‌های میان زن و مرد، چالش‌های اجتماعی و روزمره می‌پردازند.کارگردان نمایش بنیامین اند میم هوشمندانه، درست و به دور از اداوآطورهای ناپرودخانه، تماشاگران را در دو سوی صحنه می‌نشانند و به این وسیله این امکان را فراهم می‌کند تا تماشاگران را با بازخورد رویدادهای داستان نمایش و سرگذشت کاراکترهای آن، در واکنش‌های احتمالی تماشاگران روبه‌رو، روبه‌رو کند.تماشاگر در این فضای گرم و خودماني، می‌داند که به تماشای نمایش نشسته است؛ اما این آگاهی از تأثر عاطفی او نمی‌کاهد. بنیامین این نمایش با بازی «رضا غیور» چشم در چشم تماشاگر، روایت بخشی از داستان زیست و زندگی خود را می‌آغازد. فضاي حاضر نیازمند آن است که تماشاگر از حالت انفعال بیرون بیاید؛ به این مهم هم پاسخی شایسته و درخور داده می‌شود:کارگردان با طراحی درست و هوشمندانه و نیز به اندازه خود، لحظه‌هایی پایه گذاشته و فراهم آورده است؛ لحظه‌هایی که بنیامین نام دوستِ مروارید را از یاز می‌برد و تماشاگر به کمک او می‌آید تا نام «سارا» را به او یادآوری کند و حضوری فعال‌تر در روند نمایش داشته باشد.آشاره‌های آشنا و شاید هم خاطره‌ای مانند چهارراه ولیعصر (عج)، فضای دانشکده، کافه «عمارت روبه‌رو» و... کمک درخور درنگ و اندیشه‌ای می‌کنند تا تماشاگر همذات‌پنداری (من‌همانی) بیشتری را با داستان آدم‌های نمایش داشته باشد.شوخوئی‌های نمایشش به دور از توهین‌کردن و تحقیر دیگری، بیشتر درباره دستپاچگی بنیامین عاشق‌پیشه می‌چرخد؛ دستپاچگی‌های او در برخورد با معشوق (مروارید) و رفتارها و گفتارهایی را در پی دارد که نه‌تنها عاطفه خنده را در تماشاگر ایجاد می‌کنند؛ بلکه از نگاه علمی به خنده و کمدی، مانند نظریه‌هایی که از سوی «هانری لوبی» برگسون» و «ژرژکوند فریود» مطرح شده‌اند، نیز می‌تواند ارزیابی و بررسی شود.از دیدگاه گونه و ژانر، بنیامین اند میم یک «کمدی-ترازدي» است. مانند زیست و زندگی بیشتر آدم‌های این روزهای این سرزمین که دچار اندوه و افسردگی‌های فراوان هستند؛ اما سوسوی امید و روشنایی، آنها را به پیمودن راه برای رسیدن به فردایی بهتر و زیباتر وامی‌دارند. تراژیک‌ترین لحظه این نمایش، پایان آن و مرگ اندوه‌بار بنیامین است.نمایش بنیامین اند میم بجا و درست و به دور از پرش (و نه جهش که جهش را فضیلتی است که پرش را از نیست) از شاخ‌وبرگ‌داندنی غیرضروری به بخشی از جریان هنرهای نمایشی کشور نیز می‌پردازد؛ آنجا که بنیامین و مروارید در کافه عمارت روبه‌رو نشسته‌اند، با دعوت یک کارگردان و دم و اشکم.

ادامه در صفحه ۱۳